

پیش‌ها و پانچ‌ها

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌ها شیخ محمد صالح المنجد حفظه الله تعالى

موضوع:

احکام؛ مشاغل و مکاسب حرام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پرسش

نویسنده: یحیی

تاریخ: ۱۳۹۸/۱۱/۱۳

شرکت در پیش‌بینی نتایج مسابقات ورزشی که همراه با پرداخت مبلغی توسط پیش‌بینی کننده انجام می‌شود، مکروه است یا حرام؟ با توجه به اینکه پیش‌بینی مذکور توسط کسی که در این زمینه تجربه یا شناخت دارد، بیشتر از روی علم و آگاهیست تا اتفاق و شانس. آیا این نوع شرط‌بندی همان قمار است؟

آیا صحیح است که شرط‌بندی در سوارکاری و تیراندازی شرعاً جایز است؟

پاسخ

تاریخ: ۱۳۹۸/۱۱/۱۸

شرط‌بندی درباره‌ی نتایج مسابقات ورزشی، قطعاً حرام است؛ چراکه از یک سو پیش‌بینی آن‌ها کار بیهوده‌ای است؛ با توجه به اینکه فایده‌ای عقلایی بر آن مترتب نمی‌شود و شکی نیست که گرفتن مال دیگران با انجام کاری بیهوده، خوردن مال آنان به باطل است، در حالی که خداوند فرموده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ﴾؛ «ای کسانی که ایمان آوردید! اموال یکدیگر را میان خود به باطل نخورید» و از سوی دیگر مصداق بارز قمار است؛ با توجه به اینکه بردن یا باختن یکی از دو فرد یا گروه، تابع عوامل و اسباب پنهان و آشکاری است که به احصا در نمی‌آیند و با این وصف، حتی برای کسی که از تجربه و شناخت فراوانی برخوردار است، معلوم نیست و حالت تصادفی دارد و همین است که به شرط‌بندی معنا و جدّابیت می‌دهد، در حالی که گرفتن مال دیگران در ازای چیزی که معلوم نبوده و تصادفاً واقع شده، قمار است و قمار در اسلام جایز نیست؛ چنانکه فرموده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ

وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»؛ «ای کسانی که ایمان آوردید! جز این نیست که شراب و قمار و بت‌ها و تیرهای بخت‌آزمایی، چیزهای پلیدی ساخته‌ی شیطان هستند، پس از آن‌ها دوری کنید باشد که رستگار شوید».

آری، روایاتی رسیده که بر پایه‌ی آن‌ها به جواز شرطبندی در مسابقات سوارکاری و تیراندازی فتوا داده شده؛ مانند روایت مشهوری که در آن آمده است: «لَا سَبْقَ إِلَّا فِي نَضْلِ أَوْ حُفٍّ أَوْ حَافِرٍ»؛ «سبق جز در تیراندازی یا شتردوانی یا اسب‌سواری (حلال) نیست» و «سبق» با حرکت باء به معنای مالی است که مسابقه دهندگان بر سر آن شرط می‌بندند، ولی با سکون باء به معنای مسابقه است و با این وصف، نمی‌توان روایت را صریح در جواز شرطبندی دانست؛ چراکه می‌تواند دلیل بر جواز مسابقه باشد، نه شرطبندی؛ با توجه به اینکه روایات قادر به تخصیص کتاب خداوند نیستند و با این وصف، باید بر معنایی حمل شوند که با کتاب خداوند موافق است، نه معنایی که با آن مخالف است و معنای موافق با آن، کراهت مسابقه جز در کارهایی است که برای مسلمانان فایده‌ای عقلایی دارند؛ مانند سوارکاری و تیراندازی که بر آمادگی آنان برای جهاد می‌افزایند، در حالی که می‌توانند بدون شرطبندی و با انگیزه‌ی تمرین و تفریح انجام شوند؛ چنانکه در کتاب خداوند از این کار یاد شده و آمده است: «قَالُوا يَا أَبَانَا إِنَّا دَهَبْنَا نَسْتَبِقُ وَتَرَكْنَا يُوسُفَ عِنْدَ مَتَاعِنَا»؛ «گفتند: ای پدر! ما رفتیم که مسابقه دهیم و یوسف را نزد وسایلمان گذاشتیم»، بدون اینکه از شرطبندی در آن سخنی به میان آمده باشد؛ همچنانکه بیشتر روایات نیز بر اباحه یا استحباب مسابقه دلالت دارند، بدون اینکه از شرطبندی در آن سخنی به میان آورده باشند؛ مانند روایتی که در آن آمده است: «إِنَّ الْمُشْرِكِينَ أَغَارُوا عَلَي سَرْحِ الْمَدِينَةِ فَرَكِبَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَرَسَهُ فِي طَلَبِ الْعَدُوِّ فَلَمْ يَلْقُوا أَحَدًا، فَقَالَ لَهُ أَبُو قَتَادَةَ: إِنَّ رَأَيْتَ أَنْ نَسْتَبِقَ، فَقَالَ: نَعَمْ، فَاسْتَبَقُوا فَخَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ سَابِقًا عَلَيْهِمْ»؛ «مشرکان به دام‌های مدینه هجوم آوردند، پس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بر اسب خود سوار شد و به دنبال دشمن رفت، ولی کسی را نیافتند، پس ابو قتاده به او گفت: اگر می‌خواهی مسابقه دهیم، پس فرمود: آری، پس مسابقه دادند و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بر آنان سبقت گرفت» و روایتی که در آن آمده است: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ سَابَقَ بَيْنَ الْخَيْلِ يُرْسِلُهَا مِنَ الْحَفِيَاءِ وَكَانَ أَمْدُهَا ثَنِيَّةَ الْوَدَاعِ وَسَابَقَ بَيْنَ الْخَيْلِ الَّتِي لَمْ تُصْمَرْ وَكَانَ أَمْدُهَا مِنَ الثَّنِيَّةِ إِلَى مَسْجِدِ بَنِي زُرَيْقٍ»؛

۱. المائدة / ۹۰

۲. مسند أحمد، ج ۲، ۴۷۴؛ سنن أبي داود، ج ۱، ۵۸۰؛ سنن الترمذي، ج ۳، ۱۲۲؛ سنن النسائي، ج ۶، ۲۲۶؛ قرب الإسناد للحميري، ج ۸۸؛ الكافي للكليني، ج ۵، ۴۹؛ السنن الكبرى للبيهقي، ج ۱۰، ۱۶

۳. يوسف / ۱۷

۴. الكافي للكليني، ج ۵، ۵۰

۵. موطأ مالك، ج ۲، ۴۶۷؛ صحيح البخاري، ج ۱، ۱۰۸؛ صحيح مسلم، ج ۶، ۳۱

«رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم میان اسبها مسابقه گذاشت و آن‌ها را از حفیاء روان کرد و خط پایان برای آن‌ها ثنیة الوداع بود و میان اسب‌هایی که چابک نبودند هم مسابقه‌ای گذاشت و خط پایان برای آن‌ها از ثنیة تا مسجد بنی زریق بود» و روایتی که در آن آمده است: «كَانَتْ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نَاقَةٌ تُسَمَّى الْعَضْبَاءَ لَا تُسْبِقُ، فَجَاءَ أَعْرَابِيٌّ عَلَى قَعُودٍ فَسَبَقَهَا فَسَقَّ عَلَى الْمُسْلِمِينَ، فَلَمَّا رَأَى مَا فِي وُجُوهِهِمْ، قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، سَبِقَتِ الْعَضْبَاءُ! قَالَ: إِنَّ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ لَا يَرْتَفَعَ مِنَ الدُّنْيَا شَيْءٌ إِلَّا وَضَعَهُ»^۱: «رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شتری به نام عضباء داشت که هیچ کس از آن جلو نمی‌زد، پس مردی بادیه‌نشین با شتری جوان آمد و از آن جلو زد و این بر مسلمانان گران آمد، پس چون رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم این را در روی آنان دید گفتند: ای رسول خدا! از عضباء جلو زدند! فرمود: بر خداوند حق است که هیچ چیزی از دنیا بالا نرود مگر اینکه آن را پایین آورد» و روایتی که در آن آمده است: «حَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ عَلَى قَوْمٍ مِنْ أَسْلَمَ وَهُمْ يَتَنَاضَلُونَ فِي السُّوقِ، فَقَالَ: ازْمُوا يَا بَنِي إِسْمَاعِيلَ، فَإِنَّ أَبَاكُمْ كَانَ زَامِيًا، ازْمُوا وَأَنَا مَعَ بَنِي فَلَانَ، لِأَحَدِ الْفَرِيقَيْنِ، فَأَمْسَكُوا أَيْدِيَهُمْ، فَقَالَ: مَا لَكُمْ لَا تَزْمُونَ؟ قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، كَيْفَ نَزْمِي وَأَنْتَ مَعَ بَنِي فَلَانَ؟ قَالَ: ازْمُوا وَأَنَا مَعَكُمْ كُلُّكُمْ»^۲: «رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به سوی گروهی از اسلم بیرون آمد که در کوچه مسابقه‌ی تیراندازی می‌دادند، پس فرمود: تیر بیندازید ای پسران اسماعیل؛ چراکه پدرتان تیرانداز بود، تیر بیندازید و من با بنی فلان هستم - یعنی یکی از دو گروه - پس مسابقه را متوقف کردند، فرمود: پس چرا تیر نمی‌اندازید؟ گفتند: ای رسول خدا! چطور تیر بیندازیم در حالی که تو با بنی فلان هستی؟ فرمود: تیر بیندازید، من با هر دو گروه هستم». با توجه به این نصوص، می‌توان معنای روایت را کراهت مسابقه جز در کارهای سودمندی مانند سوارکاری و تیراندازی دانست و وجه کراهت مسابقه در کارهای دیگر، کراهت سرگرم کردن خود و دیگران به کارهای بیهوده است؛ چنانکه در روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمده است: «كُلُّ شَيْءٍ يَلْهُو بِهِ الرَّجُلُ بَاطِلٌ إِلَّا فِي ثَلَاثَةٍ: رَمِي الرَّجُلُ بِقَوْسِهِ وَتَأْدِيهِ فَرَسَهُ وَمُتْلَاعَتِهِ أَهْلَهُ، فَإِنَّهُمْ مِنَ الْحَقِّ»^۳: «هر چیزی که انسان با آن بازی می‌کند باطل است، مگر سه چیز: تیر انداختن از کمانش و تربیت اسبش و بازی کردن با همسرش؛ چراکه آن‌ها حَقْد».

آری، با توجه به فایده‌ی عقلایی مسابقاتی مانند سوارکاری و تیراندازی، برای امام جایز است که از بیت المال جایزه‌ای را برای برنده قرار دهد و با این وصف، بعید نیست که مراد روایات همین باشد، نه اینکه مالی از بازنده گرفته شود؛ چراکه قمار، گذاشتن مال توسط شرکت کنندگان

۱. مسند أحمد، ج ۳، ص ۱۰۳؛ صحیح البخاری، ج ۷، ص ۱۹۰؛ سنن النسائی، ج ۶، ص ۲۲۷
 ۲. مسند أحمد، ج ۴، ص ۵۰؛ صحیح البخاری، ج ۳، ص ۲۲۷؛ السنن الكبرى للبيهقي، ج ۱۰، ص ۱۷
 ۳. مسند أحمد، ج ۴، ص ۱۴۸؛ سنن الدارمی، ج ۲، ص ۲۰۵؛ سنن أبي داود، ج ۱، ص ۵۶۵؛ سنن الترمذی، ج ۳، ص ۹۵؛ الکافی للکلینی، ج ۵، ص ۵۰



با این شرط است که هر یک از آنان برنده شد، مجموع آن را تصاحب کند و با این وصف، قرار دادن جایزه از بیت المال توسط امام، قمار محسوب نمی‌شود و تبعاً اشکالی ندارد و این صریح و ظاهر برخی از روایات است؛ مانند روایتی که در آن آمده است: «**إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ سَابِقَ بَيْنَ الْخَيْلِ وَأَعْطَى السَّوَابِقَ مِنْ عِنْدِهِ**»؛^۱ «رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم میان اسبها مسابقه گذاشت و به برندگان از نزد خودش جایزه داد» و روایتی که در آن آمده است: «**إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَجْرَى الْخَيْلَ الَّتِي أَضْمَرْتُ مِنَ الْحَفِيَاءِ إِلَى مَسْجِدِ بَنِي زُرَيْقٍ وَسَبَقَهَا مِنْ ثَلَاثِ نَخَلَاتٍ فَأَعْطَى السَّابِقَ عَدْفًا وَأَعْطَى الْمُصَلِّيَّ عَدْفًا وَأَعْطَى الثَّلَاثَ عَدْفًا**»؛^۲ «رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم اسبهایی که چابک بودند را از حفیه‌ها تا مسجد بنی زریق روان کرد و سه درخت نخل برایشان جایزه گذاشت، پس به هر یک از سه نفر اول یک نخل داد» و روایتی که در آن آمده است: «**إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَجْرَى الْخَيْلَ وَجَعَلَ سَبَقَهَا أَوْاقِيٍّ مِنْ فِضَّةٍ**»؛^۳ «رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم میان اسبها مسابقه‌ای راه انداخت و جایزه‌اش را مقادیری نقره قرار داد».

اما آیا کسی جز امام هم می‌تواند از مال خود جایزه‌ای برای برنده در این مسابقات قرار دهد؟ مالک بن انس معتقد است که نمی‌تواند؛ چراکه این کار وظیفه‌ی امام است، ولی ابو حنیفه و شافعی معتقدند که می‌تواند و حق با آن دو است؛ زیرا این مسابقات نظر به فایده‌ای عقلایی که برای مسلمانان دارند، کاری نیک محسوب می‌شوند و خداوند خطاب به عموم مسلمانان فرموده است: «**وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى**»؛^۴ «به یکدیگر در نیکی و پرهیزکاری کمک کنید» و با این وصف، برای هر مسلمانی جایز است که مال خود را در آن هزینه کند.

اما آیا یکی از شرکت‌کنندگان در این مسابقات هم می‌تواند از مال خود جایزه‌ای برای برنده قرار دهد؟ مالک معتقد است که نمی‌تواند؛ چراکه این کار قمار است، ولی دیگران معتقدند که می‌تواند؛ چراکه اگر برنده شود، مالی از سایر شرکت‌کنندگان نمی‌گیرد و اگر برنده نشود، مانند امام یا مانند کسی است که از مال خود جایزه‌ای برای برنده قرار داده است، در حالی که این استدلال خالی از اشکال نیست؛ چراکه اگر برنده شود، هر چند مالی از سایر شرکت‌کنندگان نمی‌گیرد، مال خود را از دست نمی‌دهد و این نفعی برای اوست و اگر برنده نشود، مال خود را از دست می‌دهد و این ضرری برای اوست. بنابراین، کار او بی‌شباهت به قمار نیست، بلکه برای او قمار است، هر چند برای سایر شرکت‌کنندگان قمار محسوب نمی‌شود.

۱ . قرب الإسناد للحميري، ص ۸۷
۲ . الکافي للكليني، ج ۵، ص ۴۸
۳ . الکافي للكليني، ج ۵، ص ۴۹
۴ . المائدة / ۲

حاصل آنکه شرط بندی درباره‌ی نتایج مسابقات، قطعاً حرام است و برای همه یا برخی شرکت کنندگان نیز جایز نیست که مالی از خود بگذارند تا برنده آن را تصاحب کند، اگرچه مسابقات سودمندی مانند سوارکاری و تیراندازی باشند، ولی در این قبیل مسابقات برای امام و کسی دیگر غیر از شرکت کنندگان جایز است که جایزه‌ای را برای برنده قرار دهند.

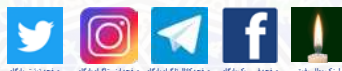


پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصوب‌ها شیخ محمد صالح المنجد
 جیش ایچکریه و منبرها



www.alkhorasani.com

پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصوب‌ها شیخ محمد صالح المنجد حفظه الله تعالى



* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.